

مدح اهل بیت (ع) در دیوان بوصیری

اثر: دکتر ابوالحسن امین مقدسی

استادیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران

(از ص ۲۱ تا ۳۸)

چکیده:

مدح پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) در دیوان شعرا جاری است. تبیین اوصاف اهل بیت (ع) با استناد به آیات و روایات، سنتی است که اکثر مدیحه سرایان بدان پرداخته‌اند. در میان شعرا بوصیری بخاطر برده‌اش و دیگر سروده‌هایش از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، جایگاهی که شاعران قرون و اعصار را به تقلید واداشته است. بوصیری در دیوان خود با اشاره به آیات قرآن و احادیث، پیامبر را نذیرمبین و افصح من نطق بالضاد معرفی کرده و به حدیث شق القمر و ستون خنانه و حرکت شجر و نطق حجر اشاره می‌کند او در مدح اهل بیت (ع) از کربلا و حدیث کساء و حدیث منزلت و سوره هل اتی و آیه مودت یاد کرده و حضرت فاطمه را با وصف خیرالنساء مدح می‌کند و پایه پای شعرای شیعی به مدح اهل بیت می‌پردازد.

واژه‌های کلیدی: اهل بیت، حب، آیات و احادیث، مدح.

مقدمه:

مدح پیامبر(ص)، از صدر اسلام رایج بوده است، حسان را شاعر النبی نام نهاده‌اند و کمتر شاعری است که در طی قرون و اعصار پس از اسلام به مدح پیامبر"ص" نپرداخته باشد، اهل بیت در کنار پیامبر(ص) با عنوان آل النبی مورد مدح شاعران بوده است، اما در تشریح عنوان اهل بیت و وصف و ویژگی‌های آنها شاعران متفاوتند. عده‌ای تحت تأثیر زمان و نزاع‌های جاری در جامعه و ترس از حاکمیت در مورد اهل بیت کوتاهی نموده‌اند و در روزگاری که ظالمان و جلادان مدح می‌شوند، محروم ماندن ابیات از مدح اهل بیت (ع) ظلم مسجلی است که شاعران یا از ترس، یا به طمع، یا به فریب و یا علل دیگر در حق آنان روا داشته‌اند. اگر اصل "الناس علی دین ملوکهم"، را بپذیریم شاعران نیز از مردم جامعه مستثنی نیستند، علاوه بر آنکه آنها غیر از تأثیرات فرهنگی نام و نشان‌شان مدیون در بار حاکمان است و تاریخ مملو از حاکمیتی است که نه تنها در ادا کردن حق اهل بیت ساعی نبوده‌اند، بلکه بسیاری از آنها در محو یاد و نام آنان تلاش کرده‌اند. اهل بیت در منظومات شعرای شیعه منزلتی خاص دارد، ولی در دیوان‌های شعرای اهل سنت کمتر شاعری همچون بوصیری می‌توان یافت که اوصاف شاعران شیعی بر ابیات او حاکم باشد. اوصافی که در این پژوهش با عنایت به قرآن و روایات مورد کاوش قرار گرفته است.

شرف الدین ابو عبدالله محمد بن سعید را به علت محل تولد دلاصی گفته و چون در بوصیر رشد نموده بوصیری و به خاطر اصل مغربیش وی را مغربی خوانده‌اند و به دلیل منسوب بودنش به قبیله صنه‌اج او را صنه‌اجی لقب داده‌اند. تاریخ میلاد وی در سال ۶۰۷ و ۶۰۸ مورد اختلاف است و شهرت اصلیش مدیون برده‌اوست، که به آن خواهیم پرداخت. بعضی او را از اعجوبه‌های خلقت در حوزه نظم و نثر معرفی کرده‌اند. متن شرح اشعار که توسط خود شاعر نگاشته شده است از این قدرت حکایت نمی‌کند، حتی وسعت خیال شعری او در حوزه نظم، در

مقایسه با شعرایی چون صفی الدین و ابن نباته از برتری چندانی برخوردار نیست. اگر به فروتر بودن آن حکم نکنیم، ولی به طور قطع می‌توان گفت که از نظر تنوع و کمیت و اغراض مختلف شعری در مرتبه‌ای پایین‌تر از این دو شاعر است و صد البته در رقت و احساس و لطافت ذوق به پای شاب الظریف نمی‌رسد. اما به یقین همه این کاستیها از منزلت برده‌ او نمی‌کاهد، منزلتی که ناشی از بنیان نهادن این سبک مدح است، مدحی که نظر بیش از ۱۱۰ شارح را به خود جلب کرده است. شاعران زیادی از قرن هفتم تا دوره معاصر همچون احمد شوقی، برون آن قصیده در مدح پیامبر(ص) شعر سروده‌اند.

گرچه کلمه برده یکبار در صدر اسلام به قصیده کعب اطلاق شده است، ولی برده بوصیری بیش از برده کعب احساس و عاطفه شاعران را به خود جذب کرده است. حتی خود بوصیری در معارضه با برده‌کعب "ذخرالمعاد" را سروده، ولی این قصیده به اندازه برده‌اش شهرت نیافته است. داستان برده آنچنان شعراء و خوانندگان را تحت تأثیر قرار داده است که در بعضی ادوار برای برده قداست‌هایی قائل شده‌اند که خارج از عرف شاعری است. بعضی گفته‌اند بدون وضو خوانده نشود و عده‌ای سفارش کرده‌اند که حتماً روبه قبله بخوانند و عده‌ای آن را برای مغفرت مردگان توصیه نموده‌اند، گروهی برای شفای امراض و رفع گرفتاری و حل مشکلات استفاده کرده‌اند؛ طبیعی است که مردم عوام سریع تحت تأثیر این توصیه‌ها قرار می‌گیرند، برای اثبات این تأثیر کافی است به زمان خود مراجعه کنیم، گذشته از عرفاء و صاحب‌دانی که به حق راه را یافته‌اند و با شهود طرائق می‌توانند سالکان را دریابند و گشودن اینگونه گره‌های ظاهری برای آنان کرامت محسوب نمی‌شود، چه بسیار سالوسان و ظاهر پردازانی که به این نام دنیای خود را متمتع ساخته‌اند. در مقابل آن قداستها که برده را در حد دعا و آیات بالا برده است، عده‌ای از معاصرین حتی خواب بوصیری و شفای او را نیز ناشی از خیالات و دروغبافیهای ناقلین و شارحین و مورخین و ادعای صوفیانه بوصیری می‌دانند. در

اثبات آن ادعا می‌گویند: صوفی‌ها معتقدند در خواب و بیداری پیامبر(ص) را رؤیت می‌کنند و بوصیری نیز جزء صوفی‌ها بوده است" و فلج بودن او را با استشهاد به بیت زیر نفی می‌کنند:^(۱)

او هذه الاولاد جاءت كلها
من فعل شیخ لیس بالقوام
در مجموع باید گفت اگر چه قداست گزارش‌های تفریطی، به هر دلیل قابل قبول نیست، ولی اسناد تاریخی که در اصل ماجرای خواب و رؤیت آن حضرت آمده است، انکار ماجرا را دشوار می‌کند؛ علاوه بر اینکه موضوع خواب و شفا از نظر علمی نیز در عصر ما مورد قبول دانشمندان حوزه طب و روانپزشکی قرار گرفته است. البته حشو و زوائدی از جمله نسبت دادن مصرعی به پیامبر(ص) مورد قبول نیست و ساحت مقدس آن حضرت از این گونه نسبتها منزه است.

شخصیت بوصیری

گفته‌اند که او به شدت کم تحمل و زبانش تند و پرهجو بود و همین امر موجب شد که مردم از او بگریزند و حتی برای او آرزوی مرگ کنند. یکبار مریض شد و خیر مرگش در بین مردم شایع شد و او با اشعاری تعریض‌آمیز دشمنانش را تقبیح کرد. علاوه بر آن کوتاه قامتی و لاغریش عاملی بود که مردم را به تمسخر او وامی‌داشت.

در تاریخ آمده است که بوصیری به علت فقر حاکم بر زندگیش از مردم بسیار متوقع بود و اگر مردم در ادای درخواست او تاخیر می‌کردند، بی ادبانه برخورد می‌کرد؛ حتی یکبار که نویسندگان مسیحی در ارسال هدایا تأخیر نمودند، بوصیری پیروان شعری یهود را برتر از نصاری معرفی کرد، همچنان که یک قاطر از الاغ برتر است:

افضل عندی من النصاری

یهود ببلبیس کل عید

اماتری البغل و هو بخل فی فضله یفضل الحمارا
آنگاه که مسیحیان شنیدند، او را تهدید کردند. و او نیز بیان خود را عوض کرد.
بوسیری صوفی و شافعی مذهب و در زمان سلطان ظاهر قاضی مذهب، شافعی
بوده است. او اختلاف در مذاهب را همچون انگشتان دست تعبیر می‌کرد که به یک
دست منتهی می‌شود و اصلی واحد دارد:

فلاتبتئس ان وسع الله فی الهدی مذاهبنا بالعلم و الله واسع
تفرقت الأمراء والدین واحد وکل الی رای من الحق راجع
فهذا اختلاف جر للحق راحته کما اختلفت فی الراحتین الاصابع^(۱)

اهل بیت (ع)

با اینکه او را شافعی معرفی کرده‌اند و از خلفاء راشدین در ابیاتش به احترام یاد
می‌کند، ولی عشقش به ولایت علی و اهل بیت (ع) آنچنان شدید است که با
خواندن آن اشعار، تصویر شاعری شیعه مذهب در مقابل خواننده منعکس
می‌شود، او وقتی به معاویه قاتل امام حسن (ع) و دیگر خلفای امویان می‌رسد آنان
را وارث هند معرفی می‌کند، که شیرکینه و بغض به فرزندانش نوشانده است.

اترجون من ابناء هند مؤدّة و قد ارضعتهم در بغضتها هند
بوسیری امام علی (ع) را همتای پیامبر (ص) و وزیر او معرفی کند که اگر پرده‌ها
کنار رود یقین او افزوده نمی‌گردد:^(۲)

و علی صفر النبی و منّ دیه ن فؤادی و وداه والولاء
و وزیر ابن عمه فی المعالی و من الاهل تسعد الوزراء
لم یزده کشف الغطاء و یقینا بل هو الشمس ما علیه غطاء

(دیوان بوسیری، ص ۲۳ و ۲۴)

۱- دیوان بوسیری، ص ۲۲۴.

۲- لوکشف الغطاء ما ازددت یقیناً، نهج البلاغه، علی (ع).

حدیث کساء

او بارها از حدیث کساء و آیه تطهیر با ابیات زیر یاد کرده است:

و بام السبطين زوج علی و بنیها و من حوته العباء
و انتم اناس اذهب الرجس عنهم فلیس لهم خطب و ان جلّ جاهد

(همان، ص ۶۱)

اهل بیت مطهرین من الرجس و هم اغنیاء عن التطهیر

(همان، ص ۱۰۶)

و لکم باصحاب العباءة نسبة تبعیة بتناسب الاقدام

(همان، ص ۲۰۴)

آیه "انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیراً" (آیه ۳۳، احزاب) به آیه تطهیر معروف است و حدیث کساء نیز در کتاب کشف الغمه تألیف علی بن عیسی اربلی آمده است.

او بار دیگر از علی (ع) اینچنین یاد می‌کند:

صنوالنسی اخوالنسی وزیره و ولیه فی کل خطب مؤید

کربلاء

بوصیری مصیبت کربلاء را غیر قابل نسیان می‌داند و عاشورا را چنان تصویر می‌کند که خون شهیدان در آن جاری و اشکها آن در جامد است. او حدیث "کل ارض کربلاء و کل یوم عاشورا" را بیانگر غم جانکاه خود نسبت به اهل بیت می‌داند:

من شهیدین لیس ینسینی

س و قدخان عهدک الرؤسا

اذا الدم جار فیه و الدمع جامد

منهم کربلا و عاشورا

مارعی فیهما ذمامک مرؤ

و طفف یوم الطف کیل دمائکم

کل یوم و کل ارض لکربی

(دیوان، ص ۶۰)

هل اتی

آیات "ویطعمون الطعام علی حبه مسکیناً ویتیمناً و اسیراً انما نطعمکم لوجه الله لانریدمنکم جزاء ولاشکورا" در شأن علی (ع) و خانواده اش نازل گشته است و داستان نزول آن در کتب مختلف شیعه و سنت آمده است. این آیات در سوره انسان قرار دارد و چون سوره انسان با هل اتی شروع می شود، به این نام نیز معروف است. بوصیری در وصف اهل بیت به این سوره اشاره می کند و می گوید: "هل اتی" مکارم اخلاق شما اهل بیت را برای من بیان کرد. مکارم و محامدی که موجب نزول آن سوره شد:

و قد بینت لی هل اتی کم اتی بها مکارم اخلاق لکم و محامد

(همان، ص ۶۱)

یطعمون الطعام لالجزاء یترجونه ولا لشکور

(همان، ص ۱۱۰)

مودت اهل بیت:

مودت به اهل بیت ثروتی است که هیچ سرمایه ای موجب بی نیازی از آن نیست:

ان المودّة فی قربی النبی غنی لایستمیل فؤادی عنه تمویل

(همان، ص ۱۸۲)

بیت فوق به آیه "قل لا استلکم اجراً الا المودّة فی القربی" (آیه ۲۳، شوری)

اشاره دارد.

قلب سلیم:

روز قیامت که هیچ مال و فرزندی سود ندهد، فقط کسانی که با قلب سلیم به نزد حضرت رب در آیند نجات می یابند. بنا به نظر بوصیری اهل بیت مصداق آتم این

آیه‌اند، در حالیکه دیگران بالباسی مندرس و قلبی ناآماده به نزد خدا می‌آیند:

یوم لا ینفع مال و لابنون
ألا من اتی الله بقلب سلیم

(آیه ۸۹، شعراء)

و ان من شیعتہ لابراہیم
اذ جاء ربه بقلب سلیم
مفسران در تفسیر آیه شیعیان ابراهیم را به شیعیان امام علی (ع) تعبیر کرده‌اند.

حب اهل بیت عقیده‌ای مبتنی بر توحید :

بوصیری یکبار حب اهل بیت را عقیده‌ای ذکر می‌کند که قواعد الهی بر آن مبتنی است بار دیگر می‌گوید اعتقاد خالی از محبت شما فاسد و تباه است:

فقل لبنی الزهرا و القول قریة
هل حبکم للناس عقیده
بکل لسان فیهم او حصائد
علی اسها فی الله تبنی القواعد

(دیوان، ص ۶۰)

و ان اعتقاداً خالیاً من محبة
و حب لکم آل النبی لفسد

(همان، ص ۲۲)

امام حسن (ع) و امام حسین (ع)

او حسنین (ع) را به ریحانه‌های حضرت زهرا و حضرت فاطمه را با لقب خیرالنساء و علی (ع) را با عنوان امام توصیف می‌کند و می‌گوید:

ریحانتاه من الزهرا فاطمة
خیرالنساء و من صنو الامام علی

(همان، ص ۱۸۰)

خیرالنساء لقب حضرت فاطمه (ع) است که پیامبر (ص) او را به این نام خواندند. صاحب کشف الغمه به این حدیث در جلد دوم اشاره می‌کند.

حدیث منزلت:

علی (ع) در شعر بوصیری چهره‌ای است که پیشانی برای غیر خدا بر زمین

نساییده است. او مجاهد میدان جنگ و صاحب خرد و اندیشه‌ای است که حدیث منزلت در شأن او بیان شده است:

و من لم یعفر کرم الله و وجهه

جبین لغیر الله منه ولا خدُّ

فتی الحرب شیخ العلم و الحلم و الحجی

علیّ الذی جدّ النبیّ له جدّ

و من کان خیر الانام بفضله

کهارون من موسی و ذلکم الجدّ

(همان، ص ۶۸)

حدیث منزلت از زبان پیامبر (ص) درباره امام علی (ع) نقل شده است، در روایات آمده است که پیامبر (ص) فرمود:

أما ترضی ان تكون منی بمنزلة هارون من موسی الا انه لانیبی بعدی (کشف الغمه، فی

معرفة الانمه، ج ۲، ص ۴۶۵)

شعر بوسیری روایت تاریخ صدر اسلام است او داستان چشم درد حضرت

علی (ع) و شفای آن حضرت توسط پیامبر (ص) را به نظم می‌کشد و می‌گوید:

و علیّ لما تفلت بعینه
و کلتاهما معاً رمدا

(دیوان، ص ۲۱)

بوسیری خود را حسان اهل بیت (ع) معرفی می‌کند و قلب خود را مملو از

محبت آنها می‌داند که هیچ چیز موجب فراموشی آن نخواهد شد:

ال بیت النبی ان فؤادی
لیس یسلیه عنکم التساء

آل بیت النبی طبتم فطاب ال
مدح لی فیکم و طاب الرثاء

انا حسان مدحکم فاذا نحت
علیکم فأتنی الخنساء

(همان، ص ۲۲)

پیامبر (ص)

اگر بوصیری را شاعر پیامبر(ص) معرفی کنیم چندان گزاف نگفته‌ایم مجموع اشعار او پیرامون مدح پیامبر (ص) و اهل بیت و صحابه می‌گذرد او با توجه به صوفی بودنش کلمه فقر و فقراء را بسیار بکار برده است ولی بندرت مدح افراد دیگر در دیوانش مشاهده می‌شود. او پیامبر (ص) را یکبار با برده، بار دیگر با قصیده ذخرالمعاد که در معارضه با بانث سعاد سروده شده و بارها با قصیده المخرج و المردود علی النصارى واليهود و قصیده محمدیه و قصیده همزیه نبویه، ام القرى فى مدح خيرالورى" و تقدیس الحرم من تدنیس الضرم" والقصیده المضریة فى الصلاة علی خیر البریة" مدح نموده است.

برده:

واژه برده در شعر عربی نامی آشناست، در میان همه اشعار، برده کعب و برده بوصیری از شهرت خاصی برخوردار است.

بنا به نقل بروکلیمان از سال ۶۶۵ تا ۱۳۳۲ هـ ۷۹ شرح عربی و فارسی و ترکی بر برده بوصیری نگاشته شده است، اینها غیر از ۳۱ شرح دیگر است که آلودت بر شمرده است. علاوه بر شروح، ۳۵ تخمیس و ۱۰ تسبیح و ۱۶ تشطیر و دهها تضمین و تزییل و تنسیع حول برده سروده شده است. (تاریخ الادب العربی کارل بروکلیمان، مترجم عبدالحلم نجار جلد سوم ص ۱۰۹-۸۲)

القصیده الهمزیه فی المدائح النبویه که نام دیگر آن ام القرى فى مدح خيرالورى است، بعد از برده شهرت به سزایی یافته است؛ این قصیده بیش از ۱۸ شرح و ۱۳ تخمیس و تشطیر را بخود اختصاص داده است.

مقایسه بین برده کعب و بوصیری از نظر تفاوت زمان صحیح نیست؛ بوصیری برده خود را ۶۰۰ سال پس از کعب سروده است. مسلماً پدیده زمان در لطافت خیال و قوت عاطفه و رقت ذوق و جذب عناصر محیط بسیار موثر است. از سوی دیگر تغییر و تحول زبان اجازه نمی‌دهد که واژگان مستعمل در شعر کعب را با

بوصیری مقایسه کنیم، حتی ذخرالمعاد بوصیری که از برده کمتر معروف است و بر وزن بانث سعاد سروده شده است مشکل موازنه و مقایسه را به همراه دارد. آنچه که هست ما باید مفاهیم و احساس دو شاعر را در قالب زمان خود بررسی کنیم.

در حقیقت بانث سعاد که با تشبیب آغاز می‌شود، از ویژگی شعر جاهلی برخوردار است کلمات سخت، همراه با بیابان خشک و وصف شتران مقاوم و معشوقه‌ای پرخلف و عده بخش اول بانث سعاد را تشکیل می‌دهد. بخش دوم شعر کعب در مدح پیامبر(ص) و بیان اضطراب خود اوست که بحق خواننده ضربان تپنده و قلب وحشت زده کعب را در اوج و فرود کلمات در می‌یابد؛ اعتذار او به حدی خاضعانه است که شنونده آن بدون اطلاع از حادثه تاریخ، می‌تواند واکنش پیامبر(ص) را پیش بینی کند:

نبئت ان رسول الله اوعدنی والعفو عند رسول الله مأمول
لاتاخذنی باقوال الوشاة ولم اذنب و ان كثرت فی الاقاویل
وصف قریش با ویژگی‌های جنگجویی و جوانمردی به پایان این مدح، زیبایی خاص داده است:

مازلت اقتطع البیداء مدرعا جنح الظلام، وثوب اللیل مسبول
حتی وضعت یمینی، لانازعها فی کف ذی نقمات قیلہ القیل

(المجانی الحدیثه فؤاد افرام البستانی، دارالمشرق بیروت، ج ۲، ص ۱۵، ۱۹۸۶)

برده بوصیری اگرچه با کلمات لطیف‌تری شروع شده است، ولی با مفهومی خونین دنبال می‌شود. اگر جدایی سعاد قلب کعب را پریشان ساخته بود، یاد همسایگان ذی سلم اشک خونین را برای بوصیری به ارمغان آورده است. اما بوصیری در این حالت باقی نمی‌ماند، سریعاً نسیمی را از جانب مدینه می‌طلبد که احساس مجازیش را در حوزه عشق حقیقی رهنمون سازد. اگر عشق بازی کعب با نام سعاد و خلف و عده‌هایش عاطفه شعرش را لطیف ساخته است، ولی بوصیری در ساحت پیامبر(ص) فقط از احساس عاشقانه‌ای صحبت می‌کند که کتمان‌ش با

وجود اشک و بیماری محال است. در واقع فلسفه کلی عشق را بیان می‌کند که اگر زندگی بدون عشق بود، هرگز ویرانه‌های خانه محبوب و تپه‌ها، از اشک سیراب نمی‌شد و با یاد درختان بان و کوه علم اشک سرازیر نمی‌شد.

لولا الهدی لم ترق دمعاً علی طلل ولا ارقت لذكر البان والعلم
بوصیری با وجودی که خود را عاشق پند ناپذیری در برابر ملامتگران می‌داند، ولی پیریش را گواه می‌گیرد تا جامعه احساس عارفانه‌اش را در بند عشق زمینی گرفتار نسازد.

برده بوصیری یک بخش پندیات را به همراه دارد که بانت سعادت از آن خالی است - باید توجه داشت برده کعب بیانگر حالت کعب در آغاز ورود به اسلام است؛ در حالی که بوصیری در وضعیتی است که رشد زندگی‌اش در سایه تعالیم اسلامی است - بار عاطفه و خیال این بخش از زهدیات به تناسب مطلب کمرنگ می‌گردد. بخش سوم که در ذکر پیامبر (ص) است با این بیت آغاز می‌شود:

محمد سید الکونین والثقلین ن من عرب و من عجم
او در مدح پیامبر (ص) به شعرا سفارش می‌کند که ادعای مسیحیان را وانهد و غیر از آن، هر چه می‌خواهد در مدح حضرتش سخن بگوید و خود با بیانی زیبا پیامبر (ص) را در خُلُق و خُلُق و علم و کرم از همه پیامبران بالاتر می‌داند؛ به طوری که پیامبران در درگاه او طلب‌کنندگان قطره‌ای از دریای وجود آن حضرتند:

فاق النبیین فی خلق و فی خلق و لم یدانوه فی علم ولا کرم
و کلهم من رسول الله ملتمس غرقاً من البحر او رشفاً من الدیم

(دیوان بوصیری، ص ۱۹۳)

علائم میلاد پیامبر (ص) همچون شکاف دیوان کسری، خاموش شدن آتشکده فارس، و خشک شدن دریاچه ساوه در برده به رشته نظم کشیده شده است:

ابان مولده عن طیب عنصره بساطیب مبتدا منه و مختتم
و بات بایوان کسری و هو منصرع کשמیل اصحاب کسری غیر ملتتم

والنار خامدة الانفاس من اسف علیه و النهر ساهی العین من سدم
و ماء ساوة ان غاضت بحیرتها وُرْدٌ واردها بالغیظ حین ظمی

(همان، ص ۱۹۴)

داستان هجرت و اقامت در غار و وجود کبوتر و تار عنکبوت و مبارزه با کفار و معراج همه در برده بوسیری با زیبایی قابل تحسین به تصویر کشیده شده است. بعضی از این بخشها در مقایسه با ذخرا المعاد زیباتر و از تفوق شعری خاصی برخوردار است.

المخرج و المردود علی انصاری و الیهود

قصیده المخرج و المردود علی انصاری و الیهود بر سه محور متکی است: (۱)

- ۱- نفی تفکر بعثت درباره الوهیت حضرت عیسی (ع).
- ۲- نفی تفکر اقالیم ثلاثة که مسیحیان به آن تکیه می کنند.
- ۳- نفی تفکر به صلیب کشیده شدن حضرت عیسی (ع).
- ۴- تعیین خبر بحث حضرت محمد (ص) و وصف منکرین او در انجیل و تورات (این مهمترین محور قصیده المخرج و المردود است، که کیلانی در شرح دیوان به آن نپرداخته است).

در میان همه شعرا تنها بوسیری را می یابیم که به نفی تفکر مسیحیت و یهود در قالب شعر می پردازد. علت این امر را در دو حوزه زیر باید جستجو کرد:

- ۱- زمینه مطالعاتی بوسیری در خصوص یهود و نصاری به دوران تحصیل او باز می گردد. طبعاً هر اندیشمندی در هر حوزه ای که به تحقیق و تفحص می پردازد، در آن حوزه تخصص می یابد و آن اندیشه بیش از مطالب دیگر در زبان و قلمش ظهور می یابد، بعضی از اشعار او ناظر به این علت است.
- ۲- علت دوم را باید در حوزه زندگی اجتماعی و اقتصادی بوسیری جستجو

کرد.

گفته‌اند مسیحیان خطاهای بوصیری را در مسئولیت حسابرسی افشا می‌کردند و او را از این بعد عصبانی می‌نمودند و او هم در رد و محکومیت آنها ابیاتی سروده است.

در مجموع می‌توان گفت که بوصیری نسبت به تورات و انجیل مسلط است و استنتاجات او مبتنی بر مطالعه مستندانه است. گرچه نثر او از قوت شعرش برخوردار نیست.

نذیر مبین:

بوصیری ویژگیهای قرآنی پیامبر(ص) را یک به یک به تصویر کشیده است:

انما انت نذیر مبین انزل الله علیک الکتابا

آیه مورد استشهاد: انما انت نذیر و الله علی کل شیء وکیل (آیه ۱۲ هود)

بلسان عربی بلیغ افحم العرب فعیت جوابا

آیه مورد استشهاد: «و هذالسان عربی مبین» (آیه ۱۰۳ نحل).

افصح من نطق بالضاد:

فارضه افصح امرئ نطق الضا د فقامت تغار منها الظاء

مفهوم شعر برگرفته از حدیثی منسوب به پیامبر(ص) است.

شق القمر:

والبدر باده منشقاً بدعوته له کما شق قلب و هو متبول

و دان البدر منشقاً الیه وافصح ناطقاً غیر وذیب

یکی از معجزات پیامبر(ص) داستان شق القمر است که بیان مفصل آن در جلد

اول کتاب کشف اللغه فی معرفة الائمة آمده است.

معراج

ولقاب قوسین انتهى فمحلہ من قاب قوسین المحل الاقرب
(دیوان بوصیری، ص ۴۲)
من قاب قوسین او ادنی له نزل و حق منه مثنوی و تحلیل
(همان، ص ۲۶)
سری الی المسجد الاقصی و عاد به لیلاً براق یباری البرق هذلول
آیه مورد اقتباس: «سبحان الذی اسرى یعبده لیلاً من المسجد الحرام الی
المسجد الاقصی الذی بارکنا...» (آیه ۱ و ۲ اسراء).

ستون حنانه:

گویند پیامبر (ص) در مسجد مدینه به چوب درختی تکیه می داد و سخنرانی
می کرد و چون منبری برای آن حضرت ساختند بر منبر نشست، در این هنگام ناله ای
از آن چوب برخاست که حاکی از غصه فراق بود؛ پیامبر (ص) آن را نوازش کرد.
مولوی در این باره می گوید:

استن حنانه از هجر رسول ناله می زد همچو ارباب عقول
گرنبودی چشم دل حنانه را چون بدیدی هجر آن فرزانه را
بوصیری در این باره چنین سروده است:
والجذع حنّ له و بات کمغرم قلق بفقد حبیبه یتکرب
(دیوان بوصیری، ص ۴۳)
او ان یحن الیه جذع یابس شوقاً یشکو بثّه و ینوح
(همان، ص ۵۶)

بشارت ظهور پیامبر (ص)

همچنان که گذشت، یکی از محورهای اصلی "قصیده المخرج والمردود" بیان

خبر بعثت پیامبر(ص) است. این معنی در قرآن در سوره صف چنین آمده است:
«و اذ قال عیسی بن مریم یا بنی اسرائیل انی رسول الله الیکم مصدقا لما بین یدئ من التوریه و مبشراً برسول یاتی من بعدی اسمه احمد فلما جاءهم بالبینات قالوا هذا سحرمبین» (آیه ۷۶ سوره صف).

مفهوم فوق را بوضیری در بیت زیر به نظم آورده است:

تخبرکم التوراة ان قد بشرت قدما باحمد ام باسماعیلا

(همان، ص ۱۴۵)

اخلاق پیامبر (ص)

یکی از ویژگی های پیامبر (ص) که بدون شک موجب گسترش و تثبیت دعوت او شد، اخلاق پیامبر (ص) است. اخلاقی که خداوند از آن با تعبیر "انک لعلی خلق عظیم" یاد کرده است. شعرای مدیحه سرا که در مدح حضرت رسول(ص) شعر سروده اند، همه به این صفت شاخص پیامبر (ص) پرداخته اند؛ در این رابطه بوضیری گفته است:

من خلقه القرآن جل ثناؤه عن ان یكون حدیثه مملولا

(همان، ص ۱۶۸)

یاری پیامبر (ص)

خداوند در قرآن فرموده است ، خداوند شما را در مواضع بسیاری یاری فرمود،
لقد نصرکم الله فی مواطن کثیرة، آیه ۲۵ توبه
بوضیری این مضمون را بابیت زیر منظوم نموده است:

و فی مواطن شتی کم اتاک بها نصرمن الله مضمون و مکفول

(همان، ص ۱۸۲)

اسلام دین کامل:

آخرین حج پیامبر(ص) برگزار می گردد و حجاج همه آماده بازگشت،

پیامبر(ص) باید آخرین مسئولیت را ادا کند اگر این امر انجام نگیرد بیست و سه سال دعوتش ناقص می ماند، لحظات سنگینی می کند و غدیر نزدیک می گردد و دستان علی(ع) در دست پیامبر به عنوان مولا معرفی می گردد.

و آنگاه آیه «الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا» (آیه ۳ مائده)، نازل می شود و اسلام دین مرضی خداوند اعلام می گردد:

بوصیری با مدح پیامبر (ص) به این آیه اشاره می کند.

احمد الهادی الذی امته
رضی الله لها الاسلام دینا

(همان، ص ۲۱۰)

خاتم النبیین (ص):

بوصیری تعیین خاتمیت نبوت را به زمانی ارجاع می دهد که هنوز گل آدم سرشته نشده است:

ختم الله النبیین به
قبل ان و یجبل من آدم طینا

(همان، ص ۲۱۱)

حرکت شجر و نطق حجر:

سعت الشجر نطق الحجر
شق القمر باشارته

توسل به پیامبر (ص):

او در همه اشعارش به پیامبر (ص) متوسل می شود و امیدوار است که مشکلاتش مرتفع شود:

قد جئت استسقی مکارمک التی
یا من یرجی فی القيامة حیث لا
یا تقنطی یا نفس ان توسلی
یحیا بها القلب الموات و یخضب
امّ ترجی للسنجاة ولا اب
بالمصطفى المختار لیس یخیب

(دیوان، ص ۴۴)

نتیجه:

- ۱- بوصیری به پلورالیسم فرق مذهبی (در محدوده اسلام) معتقد است.
- ۲- شاعری است که برای اثبات ادعای خود از بنیان فکری و استدلال‌های اسنادی بهره گرفته است. و شعر او فقط به عاطفه و خیال محدود نیست.
- ۳- بوصیری با وجود شافعی بودن و مدح خلفاء راشدین در مدح اهل بیت شاعری به تمامی شیعی است.
- ۴- بوصیری شاعر نبوی است و اخلاص او نسبت به پیامبر (ص) در روح مدیحه‌هایش مشهود است.
- ۵- گرچه از نظر قوت خیال و عاطفه در بین شعرای شش قرن دوره سقوط مرتبه اول را به خود اختصاص نداده است، ولی برده‌اش او را در صدر شعرای مشهور این دوره قرار داده است.

منابع:

- ۱- قرآن
- ۲- تاریخ الادب العربی، کارل بروکلمان، دارالمعارف مصر، بی تا.
- ۳- تفسیر مجمع البیان طبرسی، تصحیح شیخ ابوالحسن شعرانی، چاپ اسلامیة، ۱۳۷۳، تهران.
- ۴- دیوان بوصیری، محمد سعید کیلانی، شرکتة مکتبة مصطفى البالی الحلبی، بمصر تاریخ - ۱۳۷۴ هـ ۱۹۵۵ م.
- ۵- کشف الغمّه فی معرفة الاثمه، علی بن عیسی اربلی، تبریز، چاپ اسلامیة، ۱۳۸۱ هـ ق.
- ۶- المجانی الحدیثه، فؤاد افرام البستانی، دارالمشرق بیروت، ج ۲، ص ۱۵، ۱۹۸۶ م.
- ۷- نهج البلاغه، اسدالله مبشری، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۲.